



● دست‌سازهای علمی برای مدرسه

ساعت چوبی، افلاک‌نمای چرخان، تفنگ‌کش پرت‌کن، جاموبایی، جاکلیدی و کلی وسیله چوبی و پلاستیکی که با دستگاه لیزر خیلی ظریف برش خورده‌اند: یکی یکی مراحل طراحی و ساختشان را توضیح می‌دهد. باز می‌دود و می‌رود آخر کارگاه تادست‌سازه جدیدش را بیاورد. حسین در این فاصله مجال صحبت پیدا می‌کند، با متانت به دویدن احمد می‌خندد و می‌گوید: بعد از اینکه جذب ساخت وسایل باروش علمی شدیم و به کارگاه آمدیم، از ابزار کار خوشمان آمد. همه پول توجیبی مان را می‌گذاشتیم برای خرید ابزار، بعد با قطعات چوب و پلاستیک که با دستگاه سی‌ان‌سی پرش خورده بود، آشنا شدیم و بعد هم رفتیم سراغ طراحی. او که دانش‌آموزی تیزهوش و فعال است، از مهارتش برای درس هاکمک می‌گیرد و می‌گوید: حکومت‌های مختلف تاریخ ایران را با توجه به جغرافیا و چوب طراحی کردم و برش زدم. نتیجه کار خیلی قشنگ و فاخر بود. یک جدول مندلایف هم درست کردم با دستگاه سی‌ان‌سی که روی دیوار مدرسه ماندگار شده است.

● تخمه پوست‌کن حرفه‌ای

احمد با وسیله‌ای می‌آید که ترکیبی از چوب رنگ‌نشده و قوطی خالی و چند تاسیم است. با افتخار دستگاه راجلوش می‌گذارد و می‌گوید: این دستگاه تخمه پوست‌کن است. همه این تابستان روی این وسیله کار کردم. وقتی به آقای قالیشویان گفتم فیلمی دیده‌ام از مراحل ساخت دستگاه تخمه پوست‌کن و می‌خواهم آن را درست کنم، خیلی استقبال نکرد. اما وقتی دید که من تصمیمم را گرفته‌ام و با چند تکه مقوا شروع کرده‌ام، من را راهنمایی کرد تا با چوب و ابزار، آن را درست کنم. همیشه با خودم فکر می‌کردم این بسته‌های مغز تخمه را چطور آماده می‌کنند. یعنی چند نفر استخدا می‌کنند که بنشینند و با دندان‌شان این‌ها را پوست‌کنند؟ صدای خنده در کارگاه می‌پیچد. معلوم است احمد از این شیرین‌زبانی‌ها زیاد دارد. خودش هم در میان خنده‌هایش ادامه می‌دهد: این قدر تخمه خرد شد که بالاخره مغز یکی سالم درآمد. از خوش‌حالی دور کارگاه می‌دویدم. این قدر تخمه خریدم که سوپری نزدیک کارگاه می‌گفت «بچه جان، دل دردمی شوی، چقدر تخمه می‌خوری؟!». اما بالاخره توانستم ایرادهای دستگاه را برطرف کنم و الان یک دستگاه تخمه پوست‌کن حرفه‌ای دارم.



● کارگاه فنی

حسین شانزده سال دارد و احمد چهارده سال. با اینکه بیشتر وقتشان را با هم می‌گذرانند و مانند دیگر برادرهای هم‌سن و سال توی سروکله هم می‌زنند، علایق و رفتارهای متفاوتی دارند. مثلاً حسین والیبال بازی می‌کند و احمد عشق فوتبال است. حسین آرام و صبور است و احمد تروفرز. در کارگاه هم حسین روی طراحی و برنامه‌ریزی وقت می‌گذارد و احمد دست‌ورزی خوبی دارد. خوب مونتاژ می‌کند و در لحظه‌های بحرانی خلاقیت دارد. با همه این تفاوت‌ها هر دو با هم یک گروه قوی هستند و توانسته‌اند در کنار درسشان، در کارهای فنی هم موفق باشند و به درآمدزایی برسند. با اینکه اهل ورزش و هنر و مهارت‌آموزی و کتاب‌خوانی هستند، هر دو جزو بهترین دانش‌آموزان مدرسه‌شان هم هستند و از نظر علمی بسیار توانمند و کوشا. حسین جزو دانش‌آموزان سمپاد است و در مدرسه هاشمی نژاد ۲ درس می‌خواند.

● از ایده تا تولید با خودمان است

احمد می‌رود سراغ ابزار و وسایلی که ساخته است و حسین آهسته و شمرده می‌گوید: پنج سال قبل در یک کلاس دست‌سازه‌های علمی شرکت کردیم. کلاس درباره ساخت اسباب‌بازی‌های علمی با وسایل ساده بود که هم جنبه آموزشی داشت و هم تفریح. علاقه مند شدیم و از استادمان، مهندس مجتبی قالیشویان، خواستیم که کلاس‌ها را در کارگاه خودش ادامه دهد. اول ساخت ماشین با آرمیچر و چوب بود. بعد به برش‌های دستگاه سی‌ان‌سی علاقه مند شدیم و بعد هم یاد گرفتیم که چطور ایده‌هایمان را با نرم‌افزار «کورل دراو» طراحی کنیم. حالا همه مراحل تولید یک وسیله از ایده و طراحی گرفته تا برش لیزری و مونتاژ را خودمان انجام می‌دهیم و حتی درآمد هم داریم.

احمد با یک بغل وسیله می‌آید، همه را روی میز می‌چیند و با بازیگوشی خاصی می‌گوید: از بچگی می‌افتادیم به جان وسایل تا ببینیم توی آن‌ها چه خبر است. پنج تا رادیو را باز کردم تا آرمیچرهایش را بر دارم، چون شنیده بودم با آرمیچر می‌شود ماشین درست کرد. این قدر وسیله خراب کردیم تا رفتیم کلاس. خیلی جالب بود که خودمان می‌توانستیم اسباب‌بازی‌هایی را که می‌خواهیم، درست کنیم. همین که چند بار خراب می‌شد و کار نمی‌کرد، این قدر فکر می‌کردیم تا ایرادش را پیدا کنیم، بعد که جواب می‌داد، خیلی جذاب تر می‌شد.

● مهارت‌آموزی برای تقویت پایه‌های زندگی

حسین و احمد تابستان‌ها هر روز از هشت صبح تا هشت شب به کارگاه می‌آیند و در طول سال تحصیلی هم برنامه‌ریزی می‌کنند تا علاوه بر آخر هفته‌ها، عصر روزهایی که درسشان سبک‌تر است، به کارگاه بیایند. این قدر اعتماد به نفس پیدا کرده‌اند که برای مدارس سفارش می‌گیرند و با درآمدی که داشته‌اند، بخشی از سهم دستگاه را هم از استادشان خریده‌اند تا در بخش بیشتری از سود کارها شریک شوند.

خلاقیت در کنار مهارت و همچنین درس در کنار کسب درآمد، شاخصه این دو برادر است. پدر و مادر حسین و احمد مسئول کانون فرهنگی محل زندگی‌شان هستند و آن‌ها برای برکت کارشان، در کارهای فرهنگی مسجد و کانون بسیج هم کمک می‌کنند. هر دو حافظ شش جزء قرآن مجید هستند و در مسابقات مختلف مدرسه هم مقام دارند.

حسین در رشته تجربی درس می‌خواند و می‌خواهد یکی از شاخه‌های پزشکی را ادامه دهد. او موفق شده است به مرحله کشوری «کارسوق ملی ژنتیک» راه پیدا کند و در مسابقات احکام ناحیه هم رتبه برتر بیاورد. احمد هم برترین دانش‌آموز در زمینه درس و کتاب‌خوانی در مدرسه است و می‌خواهد کار فنی را ادامه دهد. این دو برادر ثابت کرده‌اند می‌توان هم در درس موفق بود و هم پایه‌های زندگی آینده را با مهارت‌آموزی تقویت کرد.